

تحلیل و بررسی نقش زمان در قراردادها

ناصر جمالی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین-پیشوا

چکیده

در عصر حاضر زندگی شتاب، بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است و این امر بر عرصه روابط حقوقی نیز تأثیر گذارده است. از این رو است که مسئله زمان اجرای تعهدات قراردادی بحث‌های متنوعی را در کتب حقوقی به خود اختصاص داده است. تعیین زمان در عقود به روش‌های مختلف می‌تواند صورت گیرد که هر کدام از این روش‌ها آثاری را در پی دارد و در مواردی ممکن است به بطلان عقد بی‌انجامد. در اغلب اوقات ظرف زمان ایفای تعهدات توسط طرفین قرارداد معین می‌کند. گاه نیز ظرف زمان اجرای تعهدات در قرارداد ذکر نمی‌شود ولی این امر مشکلی را ایجاد نمی‌کند، زیرا راه‌های شرعی و قانونی برای تعیین این ظرف زمانی وجود دارد. در مورد زمان شروع تعهدات نیز این امر صادق است. نحوه لحاظ زمان در یک قرارداد به چند صورت قابل‌تصور است. ۱- گاه زمان قید تعهد است یعنی زمان جزئی از متعلق عقد می‌باشد. در این موارد تخلف از زمان برابر با عدم انجام متعلق عقد می‌باشد ۲- در مواردی زمان شرط تعهد است؛ در این صورت عدم انجام تعهدات در زمان مقرر مطلوب دیگری غیر از متعلق عقد بوده است که محقق نشده است. در این موارد متعهدله حق فسخ معامله را دارد ۳- دیگر لحاظ زمان داعی قرار گرفتن آن است که متضمن اثر حقوقی به نفع متعهدله نیست.

واژگان کلیدی: قرارداد، نقش زمان، اجرای تعهدات.

مقدمه

زمان اجرای قرارداد از جمله عواملی است که تأثیر مستقیمی بر مسئولیت طرفین قرارداد دارد. عامل اصلی تعیین زمان اجرای قرارداد اراده طرفین قرارداد است، پس از عامل مذکور قانون، حکم دادگاه و عرف نیز به نوبه خود می‌توانند از عوامل تعیین‌کننده زمان اجرای قرارداد به شمار آیند، از جهاتی که ذکر شد نظامهای حقوقی ایران و انگلیس شباهتهای فراوانی با یکدیگر دارند. در حقوق ایران اصل کلی آن است که زمان اجرای قرارداد یکی از شروط ضمن عقد محسوب می‌شود لکن در موارد استثنائی در صورتی که طرفین قرارداد توافق نمایند می‌توانند در حین انعقاد قرارداد، زمان اجرای قرارداد را به عنوان قید موضوع اصلی قرارداد مورد توافق قرار دهند، آثار تخلف از اجرای به موقع قرارداد به حسب آنکه زمان اجرای قرارداد، قید موضوع اصلی قرارداد و یا شرط ضمن عقد باشد متفاوت است. در حقوق انگلیس اصل کلی آن است که توافق طرفین قرارداد راجع به زمان اجرای قرارداد جزء عناصر اصلی قرارداد تلقی نمی‌شود، بر همین اساس نقض توافق راجع به زمان اجرای قرارداد علی‌القاعده تأثیری در سرنوشت قرارداد نخواهد داشت لکن به رغم وجود اصل فوق‌الذکر طرفین قرارداد می‌توانند در حین انعقاد قرارداد و یا پس از آن موعد اجرای قرارداد را به عنوان یک جزء اساسی از قرارداد خود مورد توافق قرار دهند. برای اینکه به نقش زمان در عقود بپردازیم می‌بایست آشنایی اجمالی با انواع عقود داشته باشیم که به شرح زیر بیان نمودم:

انواع عقود

عقود جمع عقد بوده و به معنی توافق قانونی قابل استناد می‌باشد. عقد در واقع عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، طی قراردادی در امری که مورد قبول آنها باشد، تعهد نمایند. در این مطلب بصورت اختصاصی به موضوع انواع عقود خواهیم پرداخت.

انواع عقود رسمی در قانون ایران

۱- لازم ۲- جایز ۳- خیار ۴- منجز ۵- معلق ۶- معوض ۷- غیرمعوض (مجانی) ۸- رضایی ۹- تشریفاتی ۱۰- عینی ۱۱- معین ۱۲- غیر معین ۱۳- تملیکی ۱۴- عهده ۱۵- الحاقی با اراده و مذاکرات آزاد ۱۶- مستمر ۱۷- فوری ۱۸- مغایبی ۱۹- تسامحی ۲۰- جمعی ۲۱- فردی ۲۲- مشروط ۲۳- مطلق

تعریف خلاصه انواع عقود

عقد لازم: قراردادی است که در آن هیچ یک از طرفین عقد، حق فسخ قرارداد را ندارند. مثال: خرید و فروش (بیع) عقد جایز: قراردادی است که در آن برعکس عقد لازم، هر یک از طرفین عقد می‌توانند هر زمان که مایل بودند قرارداد را فسخ کنند. مثال: قرارداد وکالت

عقد خیاری: قراردادی است که در آن برای هر دو طرف عقد یا یکی از آنها و یا حتی برای شخص ثالث، اختیار فسخ قرارداد وجود دارد. مثال: فرض کنید شما به عنوان فروشنده خودرو، خودرویی را به شخصی بفروشید و طبق قرارداد، اختیار فسخ معامله تا مثلاً ۲ ماه دیگر را به خریدار بدهید؛ بنابراین خریدار می‌تواند تا پایان مدت مشخص شده در صورت تمایل، قرارداد را فسخ نماید.

عقد منجز: قراردادی است که اجرای آن منوط به هیچ قید و شرطی نیست. هم چنین اثر این عقد فوری است. بدین معنا که بعد از بستن قرارداد، قرارداد بسته شده مانند سندی است که مالکیت از یک شخص به شخص دیگر انتقال می‌یابد و اعتبار آن نیازمند هیچ شرط و شروط و یا گذشت زمان نیست. مثال: قرارداد خرید و فروش ملک

عقد معلق: قراردادی است که برخلاف عقد منجز، مشروط است. بدین معنا که عمل به تعهد ذکر شده در عقد، منوط به تحقق شرط ذکر شده در قرارداد است. مثال: فرض کنید شخصی به یک دختر می‌گوید که خانه‌ای را به نام تو می‌زنم به شرط اینکه با من ازدواج کنی.

عقد معوض: قراردادی است که در آن، هر یک از طرفین عقد؛ در ازای چیزی که می‌دهد، چیز دیگری می‌گیرد. آن چیز می‌تواند دارایی و مال و ثروت باشد یا می‌تواند تعهدی باشد که طرفین معامله به هم می‌دهند. مثال: خرید و فروش

عقد مجانی: قراردادی است که در آن، انتقال مال و دارایی و یا عمل به تعهد مذکور در قرارداد از جانب یکی از طرفین عقد و به نفع طرف دیگر عقد است. در واقع یک شخص در مقابل مال یا تعهدی که به یک شخص دیگر می دهد هیچ چیز از او دریافت نمی کند. در این قرارداد طرفین به دنبال سود نیستند. مثال: هبه

عقد رضایی: قراردادی است که بدون هیچ اقدام و تشریفات خاصی صورت می گیرد. صرفاً توافق و رضایت طرفین معامله بر اجرای عقد کافی است. مثال: تنها در قبال خرید اجناس از مغازه با پرداخت وجه جنس، معامله انجام می شود.

عقد تشریفاتی: قراردادی است که برخلاف عقد رضایی، علاوه بر توافق و رضایت طرفین معامله، بستن قراردادی رسمی و قانونی بین طرفین معامله الزامی است. در واقع این نوع عقد، نیازمند تشریفات خاصی است که رعایت آنها ضروری است. مثال: خرید و فروش اموال غیر منقولاموالی که نتوان آن را از جایی به جای دیگر انتقال داد. برای مثال املاک

عقد عینی: قراردادی است که صحت آن، مشروط به انجام موارد ذکر شده در قرارداد است. در واقع علاوه بر توافق طرفین قرارداد، باید به مورد قرارداد عمل شود تا عقد تحقق یابد. مثال: هبه، رهن

عقد معین: قراردادی است که انواع مختلفی دارد، که هرکدام از آنها عنوان مشخصی دارد و در قانون مدنی، قوانین معینی برای هرکدام از آنها، مقرر شده است.

آیا اثر عقد از زمان وقوع شرط ایجاد می شود یا از زمان وقوع عقد؟

نظریه نخست: اثر عقد از زمان انشاء بوده که البته نظر اول دو استدلال و نظر دوم دو پاسخ به استدلال شان می دهد و بعد خودش ثابت می کند. استدلال این نظریه بر آن است که اراده طرفین عقد را در نظر می گیریم که ظاهر اراده های طرفین از انشای آن عقد چه بوده است؟ می خواهند با عقد چیزی به وجود آورند؛ عقد را فرض کنیم انشا شده؛ فرض نداریم تعلیق در انشا است بلکه تعلیق در منشأ است. پس ظاهر اراده شان این بوده که اثر از زمان عقد به وجود آید ولی حالا یک شرط گذشته است. پس استدلال اولشان این بود که ظاهر اراده ها دلالت می کند بر اینکه اثر از زمان عقد اراده شده است.

نکته دوم: می گویند که اگر ما بخواهیم حقوق ذینفع عقد معلق را تأمین کنیم چطور تأمین می شود؟ چطور بهتر رعایت می شود؟ می گوید اثر عقد از زمان عقد بدانیم نه از زمان شرط؛ اگر بگذاریم از زمان شرط در آن فاصله یک خلایی می افتد که داخل آن خلأ ممکن است متعهد یک الزاماتی علیه ذی نفع انجام دهد اما اگر بگوییم این اثر از زمان وقوع عقد است دیگر جلوی اقدامات متعهد نیز گرفته می شود. مگر نمی خواهید حقوق ذی نفع عقد معلق حفظ و رعایت شود پس چه وقت حقوقش بیشتر حفظ می شود؟ اگر اثر عقد را از زمان شرط به بعد بدانیم یا از زمان عقد بدانیم بیشتر رعایت و مراعات می شود؟ اگر بگوییم از زمان عقد آثار منتقل می شود یعنی از زمان عقد همه چیز به ذی نفع منتقل شده و دیگر متعهد اصلاً چیزی در دست ندارد که اقداماتی علیه ذی نفع انجام دهد؛ اما اگر بگوییم از زمان شرط، آنوقت یک فاصله ای بین زمان عقد و زمان شرط خالی می ماند و متعهد می تواند اقداماتی را در آن زمان علیه ذی نفع انجام بدهد. نظریه دوم می گوید هر دو حرف شما درست است چرا؟ اولاً اینکه ظاهر اراده ها از زمان وقوع عقد بوجود می آید اما می بایستی گفت که خیر اصلاً اینگونه نیست. همین که عقد را معلق کرده اند خود این ظاهرش دلالت می کند بر اینکه اینها می خواستند از زمان شرط اثر بوجود آید نه از زمان عقد. اگر می خواستند از زمان عقد بوجود آید شرطی نمی گذاشتند ممکن است بگوییم نه می خواستند اما با شرط. می گوید همین شرط بوده که از زمان شرط می خواستند بوجود آید. پس نظر دوم نیز به ظاهر اراده ها استناد می کند.

عقود آنی یا فوری - عقود مستمر یا مدت دار

عقود را در اثری که «زمان» در تعیین و اجرای تعهدات ناشی از آن دارد، به عقد آنی یا فوری و عقد مستمر یا مدت دار تقسیم می کنند. در عقد آنی، اثر عقد در لحظه ای که طرفین انتخاب کرده اند، ایجاد می شود مانند بیع که انتقال مالکیت در آن فوری بوده و پرداخت ثمن نیز به این نحو است. ولی در عقد مستمر موضوع معامله به گونه ای است که باید در طول مدت معین انجام شود. قراردادهایی مانند اجاره یا پیمانکاری چون موضوع یا مورد منفعت و انجام کار ذاتاً با عامل زمان توأم است از مصادیق این عقد است. رای شماره ۲۱۴ - ۲۷/۳/۹۲ هیات عمومی دیوان عدالت اداری در مقام رفع تعارض در آرای برخی شعب آن دیوان در موضوع بررسی کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد و مدت در قرارداد ذکر نشده، نظر به دائمی بودن قرارداد و نه موقت دارد که در هر صورت به لحاظ ماهیت تعیین زمان ولو موقت، قراردادی مستمر تلقی می شود. برقراری

مستمری و عقد بیمه نیز از مصادیقی است که می‌توان برای قراردادهای مستمر با اجرای دوره‌ای آنها برشمرد، به نحوی که در این قبیل موارد موضوع عقد یعنی پرداختن پول یا مال معین ذاتا با عامل زمان توأم نیست، ولی در اثر تراضی طوری به عامل زمان مربوط شده که عقد منشأ آن را به صورت مستمر درآورده است. البته پر واضح است که در عقد اجاره به عنوان بارزترین مصداق عقد مستمر، درج مدت و زمان در آن الزامی است ولی در سایر موارد از عقود مستمر درج مدت و زمان شرط صحت این عقود نیست و گاهی طرفین می‌توانند با تراضی یکدیگر برخی از عقود را که ماهیتا مستمر هستند به عقود آنی تبدیل کنند. با توجه به تعریفی که از عقود مستمر ارائه شد اکثر عقود معین مانند اجاره، وکالت، شرکت، کفالت، جعاله، عاریه، حواله، ودیعه، ضمان و رهن جزو قراردادهای مستمر هستند و عقودی مانند بیع، صلح و قرض از زمره عقود آنی است. در عقود نامعین و در امور تجاری می‌توان به عقد استصناع و قرارداد با عوض شناور اشاره کرد. در عقد استصناع قراردادی بین دو شخص اعم از حقیقی و حقوقی که مبین سفارش کالایی خاص یا طرحی با ویژگی‌های مشخص در آینده است، منعقد می‌شود که در آن سفارش گیرنده (صانع) متعهد می‌شود موضوع قرارداد را طبق نظر سفارش‌دهنده مستصنع تولید و اجرا کند و کالا و ثمن در زمان مورد توافق تحویل و پرداخت شود. در قرارداد با عوض (قیمت) شناور، متعاملین در هنگام انعقاد قرارداد نمی‌توانند یا نمی‌خواهند عوض را به طور دقیق معلوم سازند، بلکه تعیین آن را به آینده موکول می‌کنند و بعضا مسکوت می‌گذارند. نمونه این قراردادها عمدتا در زمینه فروش مصنوعات و پیمانکاری‌های ساختمانی و اجاره‌های بلندمدت و خصوصا قراردادهای نفتی به چشم می‌خورد. در اکثر کشورهای اروپایی این قرارداد کارآیی خاص خود را دارد ولی در حقوق ایران با توجه به ضرورت رعایت اصل لزوم معلوم و معین بودن عوضین (کالا یا کار و قیمت) اختلاف نظر در پذیرش این قراردادها وجود دارد، و در صورت پذیرش، با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی، چنین قراردادهایی را باید در قالب قراردادهای نامعین مستمر دانست. (یعقوبی ۱۳۹۸، ص ۴۹)

اهمیت و آثار تعیین زمان عقد

به صورت زیر است:

- ۱- قانون حاکم بر قرارداد، قانون مقید در زمان انعقاد آن است.
 - ۲- آثار عقد از زمان انعقاد قرارداد به وجود می‌آید، مگر اینکه همانند عقد مطلق به وجود آمدن آثار عقد موکول به امر دیگری شده باشد؛ مثل عقد معلق در بیع تملیکی مالکیت مبیع از تاریخ انعقاد قرارداد به مشتری منتقل می‌شود. بند اول ماده ۳۶۲ ق.م. به آن اشاره کرده است.
 - ۳- به استثناء عقود جایز، پس از انعقاد قرارداد فوت یا حجر یکی از طرفین عقد، تاثیری در آن نخواهد داشت، در حالی که فوت هر یک از متعاملین پیش از انعقاد عقد، مانع از تشکیل آن است.
 - ۴- ایجاب کننده پیش از انعقاد عقد، حق رجوع به ایجاب خود را دارد در حالی که پس از تشکیل عقد این حق از وی سلب می‌شود. همین مسئله در مورد قبول کننده ایجاب نیز صادق است. (پیش از قبول الزامی ندارد که معامله را قبول بکند اما وقتی که قبول کرد از قبول خودش دیگر نمی‌تواند صرف نظر بکند).
 - ۵- در صورت وقوع اختلاف بین طرفین، دادگاهی که عقد در محدوده آن دادگاه منعقد شده است صلاحیت رسیدگی به اختلاف را دارد، به استثنای قراردادهایی که مربوط به اموال غیر منقول هستند که در این صورت دادگاه صلاح، دادگاهی است که مال غیر منقول در محدوده صلاحیت آن قرار دارد.
 - ۶- تعهدات ناشی از عقود، تابع محل وقوع عقد می‌باشند، مگر اینکه طرفین عقد اتباع خارجی باشند یا اینکه متعاملین، عقد را به صورت ضمنی یا صریح، تابع قانون دیگری قرار داده باشند (م ۹۶۸ ق.م).
- پرسش از زمان:

از مسائل مهم مطرح درباره لوازم عقد پرسش از زمان اجرای تعهدات قراردادی است که تسلیم مبیع در چه زمانی باید انجام گیرد موضوعی است که از دیرباز مورد عنایت فقیهان بوده و حقوقدانان نیز با توجه به مواد قانونی و مبانی فقهی در این باره وارد بحث شدند.

حکم زمان اجرای تعهدات قراردادی را در سه فرض می‌توان بررسی کرد.

۱- تصویب به زمان اجرا در متن قرارداد ۲- عدم تصویب به زمان اجرا در متن قرارداد با وجود عرف و عادت مسلم در خصوص زمان اجرا ۳- عدم تصویب به زمان اجرا در متن قرارداد و فقدان عادت مسلم در خصوص زمان اجرا. فقها بر مبنای اصل حاکمیت اراده در فرض تعیین سریع یا ضمنی زمان اجرای قرارداد یعنی چه قول و دوم هم آن را می دانند و در فرض عدم تعیین یعنی شبه سوم با تمسک به قاعده اطلاق الغدیر ۲ النقذ. بر اجرای فوری تعهد تاکید می کند.

زمان اجرای تعهد در فقه

فقها عقیده دارند چنانچه طرفین قرارداد زمان تسلیم را تعیین کرده باشند بر اساس اصل وجوب وفای به عهد زمان اجرای قرارداد همان زمان معین است (شکل مفید الموائی ۵۹۵ ابن ادریس حلی).

در صورتی که زمان تسلیم در متن قرارداد تصریح نشده باشد، دو حالت وجود دارد.

نخست آن که درباره زمان اجرای قرارداد عرف و عادت مسلمی وجود داشته باشد که همان منبع هست و دوم آنکه چنین عرف و عادت ای وجود نداشته باشد که در این زمینه طبق نظر مشهور در فقه، اولین زمان ممکن از نظر عرف با توجه به اوضاع و احوال یا فوریت عرفی مناط اعتبار است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۴/۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ص ۳۸۷)

حکم اخیر می تواند محل مناقشه باشد و لذا بررسی آن خالی از وجه نیست. البته برخی از فقیهان برای این استنباط خود دلایلی از سنت، بنای عقلاء و اجماع ارائه کرده اند معذالک برخی دیگر فقیهان ترجیح داده اند با عنایت به عموم قاعده معروف ((اطلاق العقد یقتضی النقذ)) است چنانکه گفته شد مهمترین مستند وجود اجرای فوری قرارداد در فرض اطلاق است. در توضیح این سخن می توان گفت اطلاق عقد در هر مقام اقتضای خودش را دارد مثلاً مقتضای اطلاق و عقد وجود تسلیم مبیع و ثمن است. حال بودن مقتضای اطلاق عقد است و اطلاق عقد سلامت کالا را اقتضا می کند بنابراین قاعده اقتضای اطلاق همه تعهدات ایفای فوری و بدون تاخیر از و با واقع شدن عقد طرفین آن موظف به ایفای تعهد خود هستند مثلاً در عقد بیمه غذایی عقد باید متعهد به تسلیم فوری مبین و مشتری موظف به تحویل فوری ثمن است مگر آنکه در ضمن عقد شرط دیگری شده باشد بنابراین مقتضای اطلاق عقد بیع چنانچه در مبحث نقد و نسیه بحث می شود نقد شدن ثمن و مثنی است و این همان قاعده معروف ((اطلاق العقد یقتضی النقذ)) است و ظاهر عبارت فاضل مقداد آن است که مفاد این قاعده اجماعی است.

قرارداد به منزله یک ماهیت اعتباری مانند هر موجود بعد زمان و مکان است دارد. تعیین زمان و مکان انعقاد قرارداد آثار متفاوتی را به دنبال دارد. بی شک زمان انعقاد عقد لحظه ای است که آخرین جزء عقد (قبول یا قبض) تحقق می یابد.

مکان انعقاد عقد نیز بر اساس زمان تشکیل آن تعیین می شود. مکان تشکیل عقد محلی است که آخرین جز عقد (قبض یا قبول) در آنجا تحقق می یابد. زمانی که قرارداد در یک مجلس منعقد می شود یعنی ایجاب کننده و قبول کننده در یک مجلس، قرارداد را منعقد می کنند مشکلی در تعیین زمان و مکان قرارداد وجود نخواهد داشت.

مشکل و مباحث حقوقی متعدد مشکل و مباحث حقوقی متعدد زمانی مطرح می شود که طرفین قرارداد از لحاظ زمانی و مکانی از یکدیگر فاصله دارند. این موضوع زمانی که قرارداد در محیط سایبر تشکیل می شود اهمیت بیشتری پیدا می کند، چرا که کنترل آن دشوار تر از محیط غیر الکترونیکی خواهد بود.

سوالات مطرح شده در این زمینه عبارت است از: ۱- شخصی در ایران از طریق نامه یا داده پیام ایجاب عقد را انشا می کند و طرف دیگر معامله در خارج از ایران به همین طریق قبول را برای طرف ایرانی بفرستد، آیا عقد در ایران منعقد شده است؟ بر مبنای پاسخ این سوال قانون حاکم بر قرارداد نیز متغیر است. (مخصوصی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۹-۱۵۹)

۲- زمان انعقاد عقد بیع چه زمانی بوده است؟

۳- آیا به محض ارسال نامه حاوی قبول به وسیله قبول کننده یا اطمینان ایجاد کننده از مطلع شدن مفاد ایجاب توسط قبول کننده، عقد محقق می گردد؟

در اهمیت این موضوع برای نمونه باید گفت اگر در فاصله بین فرستادن ایجاب و دریافت قبول ایجاب کننده ور شکسته بشود، آیا تعیین دقیق زمان انعقاد عقد در سرنوشت عقد تأثیر خواهد داشت.

تشکیل قرارداد در تجارت الکترونیکی به طور عام میان اشخاص صورت می گیرد که از لحاظ مکانی و زمانی از دیگر فاصله دارند از همین روی، تعیین زمان و مکان تشکیل عقد در تجارت الکترونیکی نیز اهمیت دارد.

آثار تعیین زمان و مکان انعقاد قرارداد

تعیین زمان و مکان انعقاد قرارداد نتایج نتایج علمی و عملی متعددی دارد که به شرح زیر بیان می‌گردد.

آثار تعیین زمان انعقاد قرارداد

۱- تا زمانی که عقد واقع نشده است ایجاب کننده در اصل می‌تواند از پیشنهاد خود عدول کند، ولی پس از انعقاد قرارداد عدول از ایجاب مجاز نیست، به عبارت دیگر با تعیین زمان عقد، حق ایجاب کننده برای عدول از ایجاب پایان می‌پذیرد. همچنین قبول کننده حق استرداد قبول را ندارد، با این توضیح که هرگاه نظریه وصول در قراردادهای مکاتبه‌ای پذیرفته شود، قبول کننده تا زمان وصول قبول به ایجاب کننده می‌تواند از قبول عدول کند، چنان که می‌تواند قبل از وصول قبول، تلگرافی به اوطلاع دهد که نامه قبول را کان لم یکن اعلام می‌دارد.

۲- با تعیین زمان عقد، مرگ یا حجر ایجاب کننده یا قبول کننده تاثیری بر سرنوشت قرارداد نمی‌گذارد اگر در مورد قراردادهای جایز یا قراردادهایی که به اعتبار شخصیت یکی از طرفین منعقد شده باشد.

۳- با تعیین زمان عقد، صحت یا نفوذ قراردادهای که به وسیله تاجر ورشکسته منعقد شده اند، مشخص می‌گردد. برخی از قراردادهای که بعد از تاریخ توقف منعقد شده باشند، باطل هستند. (ر.ک: مواد ۴۲۳ و ۵۵۷ قانون تجارت)

۴- با تعیین زمان عقد، زمان تحقق ماهیت اعتباری آثار آن مشخص می‌گردد، در اصل به جز در مورد تعلیق در منشا ماهیت اعتباری عقد با تشکیل قرارداد محقق می‌گردد و از همان تاریخ، آثار و نتایج این ماهیت اعتباری اعم از انتقال مالکیت عین و منافع مبیع، زیر پوشش قرار گرفتن خطر مورد بیمه و غیره تحقق پیدا می‌کند.

۵- مرور زمان دعاوی ناشی از قرارداد از زمان تشکیل عقد شروع می‌شود.

۶- مهلت هایی که به وسیله طرفین مشخص شده باشد یا به وسیله ایجاب کننده قانون تعیین گردیده مانند (خیار حیوان و خیار تاخیر ثمن) از زمان تشکیل قرارداد محاسبه می‌گردد.

۷- قرارداد از حیث شرایط صحت و نفوذ و ... تابع قانونی است که در زمان تشکیل قرارداد قبول کننده اجرا است بنابراین در صورتیکه قانون جدیدی وضع و منتشر شده باشد لازم است زمان وقوع عقد تعیین شود تا معلوم گردد کدام قانون بر قرارداد حاکم است.

۸- قرارداد در زمان و مکانی تشکیل می‌شود که قبول عملی و موثر گردیده است؛ یعنی با در نظر گرفتن اصل عطف به ماسبق نشدن قانون، وضعیت عقد و روابط عقدی طرفین در اصل تابع مقرراتی است که در زمان تشکیل عقد، حاکمیت دارد نه مقرراتی که بعداً وضع می‌گردد. برای مثال طبق مقررات حاکم در زمان انشای عقد، مشخص می‌گردد که عقد صحیح، باطل یا غیر نافذ است. حقوق و وظایف طرفین در برابر هم نسبت به عقدی که تشکیل دادند چیست؟

۹- مکان تشکیل قرارداد نیز در اصل، تابع زمان تشکیل آن است به عبارت قرارداد در زمان و مکانی تشکیل می‌شود که قبولی عملی و موثر گردیده است. (صفایی، ۱۳۸۲، ص ۷۹ و ۷۸؛ شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸، ۱۵۹)

دیدگاه های مطرح شده درباره زمان و مکان تشکیل قرارداد

برای تعیین اینکه قرارداد در چه زمان و مکانی تشکیل می‌گردد، چهار نظریه ابراز شده است:

الف- نظریه اعلام قبول (اعلام اراده)

بر اساس این نظریه قرارداد زمانی کامل و منعقد می‌شود که قبول کننده اراده خود را از طریق امضای نامه یا تلگرام یا امثال آن ابراز کند اگرچه هنوز نامه را ارسال نکرده باشد.

ب- نظریه ارسال قبول

بر اساس این نظریه برای تحقق عقد، نامه حاوی قبول باید ارسال شده باشد مثل تسلیم به اداره پست یا نامه رسان و این زمان است که عقد کامل و منعقد شده تلقی می‌شود. در برخی از نظام‌های حقوقی همین که قبولی شخص مخاطب ایجاد کننده پست شود، عقد منعقد می‌شود.

این امر در حقوق انگلیس ((قاعده صندوق پستی)) خوانده می‌شود. طبق این قاعده وقتی قبول به وسیله پست درخواست شده باشد یا وقتی این روش مناسب و معقول برای برقراری ارتباط بین طرفین تلقی شود، به محض پست شدن نامه قبولی محقق

می‌گردد، حتی اگر نامه مواجهه با تأخیر شود، از بین برود یا در پست گم شود، به‌طوری‌که هیچ‌گاه به ایجاب کننده نرسد باز عقد منعقد می‌شود. به نظر می‌رسد این قاعده در مورد اعلام قبولی به‌وسیله تلگرام، از جمله پیام‌های تلگرافی داخلی نیز اعمال می‌شود ولی در مورد شیوه‌های آنی و هم‌زمان مثل تلفن، تلکس و احتمالاً دستگاه‌های فاکس اعمال نمی‌گردد.

قاعده مذکور مبتنی بر سهولت است و به‌طور معمول بر این اساس توجیه می‌شود که اگر ایجاب کننده پست را به منزله وسیله‌ای برای به وجود آمدن یک قرارداد برگزیده باشد باید خطرهای نهفته در این وسیله را نیز بپذیرد. این قاعده در موارد زیر اعمال نمی‌شود، در این صورت دادگاه ممکن است نتیجه بگیرد که قرارداد در زمان ((وصول)) نامه قبلی به وجود می‌آید. اگر زمان وصول نامه (مدت اعتبار) ایجاب به پایان رسیده باشد، در صورت نبود اعمال قاعده پستی ممکن است در اصل قراردادی تشکیل نشود. مواردی که قاعده پستی اعمال نمی‌گردد به شرح زیر است. (داکسیری، ۱۳۷۷، ص ۳۳ و ۳۲)

۱- در جایی که نامه قبولی به درستی پست نشده باشد مثل دعوای که در آن نامه قبولی به مامور پستی داده شده بود که فقط مجاز به تحویل دادن نامه (نه تحویل گرفتن آن) بوده است.

۲- در جایی که شرایط صحیح ایجاب، قاعده پستی را مستثنی می‌سازد یعنی اگر در ایجاب تصریح شده باشد که قبول باید به ((ایجاب کننده)) برسد، در دعوی (هالول علیه هیوزی) در سال ۱۹۷۴ که در آن بنا بوده است که ایجاب به‌وسیله ((اعلامیه کتبی)) قبول گردد، قاعده پستی قبول کننده اعمال تلقی نشد. در این مورد اعلام عملی ضروری بود.

۳- در جایی که استفاده از پست نامعقول است برای مثال پاسخگویی به‌وسیله پست درجه دو (غیر سریع) به یک ایجاب شفاهی یا تلگرافی یا قبول به‌وسیله پست در آستانه یک اعتصاب پستی، به علاوه در دعوی (هالول) مقرر شد که این قاعده نباید در مواردی اعمال گردد که مشقت آشکار یا نتیجه بی‌معنایی به بار می‌آورد. هرچند که در مورد این نکته هیچ منبعی در حقوق انگلستان وجود ندارد، ولی به نظر نمی‌رسد در جایی که قاعده پستی اعمال می‌شود طرف ایجاب بتواند، پس از پست کردن قبولی خود آن را با یک وسیله تماس سریعتر، مثلاً با تماس تلفنی پس بگیرد، تصمیم متخذه در دعوی اسکاتلندی ((دانمور علیه اسکاتلند)) که ظاهراً چنین استرداد را اجازه می‌دهد، قبول کننده اعتماد نیست، زیرا به نظر می‌رسد که اکثریت دادگاه در مورد این دعوی بر این اساس تصمیم گرفته اند که استرداد ایجاب صورت گرفته بوده است. برخی معتقدند که در تجارت الکترونیکی قاعده پستی حاکمیت دارد.

ج- نظریه وصول

بر اساس این نظریه قرارداد در زمان وصول نامه به ایجاب کننده منعقد می‌شود. از این‌رو نظریه را سیستم وصول نامیدند. این نظریه به‌وسیله کمیسیون بیع بین‌المللی قرار گرفته است. طبق ماده ۱۵ آن ((ایجاب از زمان وصول به‌وسیله مخاطب ایجاب، نافذ می‌گردد)) و طبق ماده ۲۳ آن بیان می‌دارد که قرارداد از لحظه نفوذ منعقد می‌گردد و چون ماده ۲۴ کنوانسیون قبول از لحظه وصول به ایجاب کننده نافذ است از همان لحظه وصول قبول به ایجاب کننده قرارداد منعقد می‌شود. اگر ماده ۲۳ کنوانسیون نبود از بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون هم‌زمان وقوع قرارداد قبول کننده استنباط بود، ولی به دلیل اهمیت موضوع و آثاری که بر تعیین زمان انعقاد قرارداد مترتب است کنوانسیون در ماده ۲۳ با آن تصریح نموده است. البته کمیسیون در بند ۳ ماده ۱۸، استثنایی به این نظریه پذیرفته شده وارد کرده است بدین مفهوم که در موقعیت‌های خاص به ویژه اگر عادت و رویه معمول به طرفین اجازه بدهد، انجام عملی چون ارسال کالا یا تادیه ثمن می‌تواند به تنهایی ایجاب کننده نافذ شدن قبول گردد قبول کننده ذکر است که ماده ۱۴۷ قانون آلمان و ماده ۵ تعهدات سوئیس نیز نظریه وصول را پذیرفته‌اند. (داراب پور، ۱۳۷۴، ص ۲۷۹-سماواتی، ۱۳۷۷، ص ۵۵-فیضی چکاب، ۱۳۸۳، ص ۶۳)

د- نظریه اطلاع

بر اساس این نظریه، زمان انعقاد قرارداد هنگامی است که ایجاب کننده از قبول آگاه می‌شود و به عبارت روشن‌تر قرارداد هنگامی منعقد می‌گردد که نوشته مبتنی بر قبول واصل و ایجاد کننده از مضمون آن آگاه شده باشد. برای روشن شدن موضوع نظریات مذکور در قالب مثالی بیان می‌گردد: یک بازرگان آلمانی فروش مقداری پارچه تولیدی خود را در یک نامه برای بازرگانان ایرانی انشاء کرده و آن نامه را به صندوق پست می‌اندازد. پس از وصول نامه به دست بازرگان ایرانی این شخص قبولی خود را در نامه نوشته و آن را از طریق پست برای بازرگانان آلمانی ارسال می‌کند. این نامه به دست بازرگان آلمانی می‌رسد، او با مطالعه نامه از قبول بازرگان ایرانی مطلع می‌شود، در این مثال مطابق نظریه اطلاع، عقد در زمان و مکانی

تشکیل می‌شود که نامه حاوی قبول نوشته می‌شود، طبق نظریه ارسال، عقد در زمان و مکانی منعقد شده که نامه حاوی قبول به صندوق پست انداخته شده است. برابر نظریه وصول، عقد در زمان و مکانی تشکیل می‌گردد، که نامه حاوی قبول به دست ایجاب کننده برسد، بلاخره برابر نظریه اطلاع، زمان و مکان تشکیل عقد، زمان و مکانی است که بازرگان آلمانی از مفاد نامه و قبول بازرگان ایرانی مطلع گردد. (شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۱) حل مسئله زمان وقوع عقد مشکل تعیین مکان وقوع عقد را که در قراردادهای با مکاتبه یا تلفن پیش می‌آید حل خواهد کرد. در واقع مکان وقوع عقد محلی است که آخرین جزء عقد در آنجا به وقوع پیوسته است، بنابراین اگر زمان وقوع عقد، تاریخ صدور قبول باشد باید محل صدور قبول را مکان وقوع عقد تلقی گردد. برای مثال اگر ایجاب در تهران و قبول در شیراز صادر شده باشد شیراز محل وقوع عقد خواهد بود. بدین سان در قراردادهایی که با تلفن منعقد می‌شود مکان وقوع عقد محلی است که قبول کننده از آنجا قبول خود را اظهار داشته است. (صفایی، ۱۳۸۲، ص ۸۲)

در کنوانسیون بیع بین‌المللی نصی در خصوص مکان تشکیل عقد وجود ندارد. برخی معتقدند که حکم آن در کنوانسیون موجود است، بدین بیان که در صورتی که خلاف آن توافق نشده باشد، مکان وقوع عقد، همان محلی است که اعلان اراده‌ای که جزء مکمل قرارداد است (قبول) در آنجا به طرف مقبول کننده واصل، یا عملی که منجر به انعقاد قرارداد میگردد در آنجا انجام میشود (همان، ص ۱۰۴).

زمان در تشکیل قراردادهای الکترونیکی

۱- قراردادهای فوری

قراردادهای فوری قراردادهای است که با وسایل فوری همچون مکالمات تلفنی یا در اتاق گفتگو منعقد می‌شود. برخی معتقدند تشخیص زمان اعتبار قبول در قراردادهای فوری آسان است، زیرا مکالمات تلفنی در زمان و مکان مشخصی انجام می‌شود و زمان قطعیت قبول هنگامی که بعد از اعلام قبول، ارتباط قطع می‌شود. از آنجا که با اعلام تلفنی قبول، طرف مقبول کننده نیز از محتوای آن آگاهی می‌یابد و در عرف فاصله میان اعلام، وصول و اطلاع از قبول متصور نیست، قرارداد به هنگام استماع قبول مخاطب تشکیل می‌شود و انصراف بعدی مخاطب از قبول پیش از قطع ارتباط را باید با لحاظ ماده ۳۹۷ ق.م.ا.عمال ((خیار مجلس)) محسوب دانست. با یادآوری اینکه اگر در اینترنت از سیستم تلفن دوسویه برای تشکیل قرارداد استفاده شود، یعنی هر یک از دو طرف بتواند بدون قطع امکان مکالمه طرف دیگر حرف بزند و مکالمه بدون تاخیر (زنده) باشد، در این صورت از حیث احکام هیچ تفاوتی با تلفن به مفهوم سنتی آن نخواهد داشت.

در پاسخ باید گفت همیشه تشخیص زمان انعقاد قرارداد در قراردادهای فوری آسان نیست. در صورتی که مخاطب قبولی خود را به‌وسیله تلفن اعلام نماید، ولی به علت اختلال در خطوط تلفن یا قطع تلفن یا چنانچه قبولی در اتاق گفتگو صورت گیرد، قبل از رسیدن قبولی به ایجاب کننده برق قطع شود یا مراتب تایپ شده و در همان لحظه ارسال برق قطع شود، قبول توسط ایجاب کننده شنیده نخواهد شد یا به وی ارسال نخواهد شد، بنابراین در اینجا نیز وضعیت نظریات بیان شده در حقوق غیر الکترونیک به شرحی که گذشت مشخص می‌شود که کدام یک قبول کننده اعمال است تا بر اساس آن بگوییم که آیا عقد واقع شده است یا خیر. (السان، ۱۳۸۵، ص ۳۶۷)

۲- قراردادهای غیر فوری

قراردادهای غیر فوری، قراردادهای هستند که با وسایل غیرفوری ارتباط همچون نامه الکترونیکی و مبادله الکترونیکی داده‌ها منعقد می‌شود. بحث نظریات بیان شده در حقوق غیر الکترونیکی در حقیقت در قراردادهایی است که به صورت غیر فوری همچون مکاتبه واقع می‌گردد. حال می‌خواهیم بدانیم که وضعیت نظریات مذکور در قراردادهای غیر فوری الکترونیکی چگونه است و کدام یک از نظریات مذکور قابلیت دفاع بیشتری دارند آیا نظریاتی که در حقوق غیر الکترونیکی اعمال می‌شود در حقوق تجارت الکترونیکی نیز اعمال می‌شود یا خیر؟ به لحاظ ویژگی خاصی که در محیط سایبر وجود دارد و با توجه به مسائلی که در تجارت الکترونیکی مطرح است تشتت آراء در خصوص پذیرش یکی از نظریات مذکور بیشتر از حقوق غیر الکترونیکی است. برخی اعلام نمودن از بین چهار نظریه فوق دو نظریه ارسال و وصول در این زمینه بیشتر مدنظر قرار گرفته است. در توجیه آن بیان نموده اند که ممکن است گفته شود با توجه به ویژگی شبکه جهانی اینترنت، این احتمال وجود دارد که ((داده پیام)) حاوی قبول پاک و تحریف شود هرگز به دست ایجاب کننده نرسد یا آن طور که باید نرسد. به همین دلیل

نظریه وصول مناسب تر به نظر می‌آید، عده ای دیگر در مقابل بیان نمودند که این احتمال در مورد نام های پستی نیز وجود دارد. به همین دلیل در انعقاد قراردادهای الکترونیکی و در محیط سایبر نظریه ارسال پذیرفته شده است. برخی نیز قاعده صندوق پستی را در تجارت الکترونیکی پذیرفته اند. (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۸۵ و آهنی، ۱۳۸۳، ص ۵۹) برخلاف موارد مذکور عده‌ای دیگر اعلام نمودند که نظریات وصول و اطلاع در حقوق تجارت الکترونیکی پذیرفتنی است و نظریات اعلان و ارسال به لحاظ ویژگی خاص این نوع تجارت اعمال پذیر نیستند و قاعده پستی را نیز نمی‌توان اعمال کرد. (همان) برخی نظریه وصول را در حقوق الکترونیکی می‌پذیرند حتی اگر قرارداد به وسیله واسطه های (نمایندگان) الکترونیکی منعقد شده باشد. برخی موضوع را به این شکل بیان نموده اند که طبق قاعده کلی، قرارداد زمانی منعقد می‌شود که قبولی به ایجاب دهنده اعلام شود. کلمه ((اعلام)) اصطلاحی تخصیصی در رشته حقوق است و بدین معناست که مخاطب باید بتواند از مطلب مورد بحث آگاه شود. مطلب بیان شده هنگامی به شکل صحیح اعلام می‌شود که به وسیله مخاطبش دریافت شده باشد، حتی اگر او به دلایلی آن را نخوانده باشد. این قاعده در مورد قراردادهای آنی به کار می‌رود. از قبیل اینکه قرارداد به طور شفاهی یا تلفنی را از طریق نمابر منعقد شود. چنانچه اعلام قبولی از طریق پست و تلگراف باشد، اینکه آیا قاعده کلی برای اعلام باید اعمال شود یا اینکه صرف پست کردن قبولی کفایت می‌کند، نرسیدن آن به آدرس طرف ایجاب، بستگی به قصد طرفین دارد. به طور معمول قصد طرفین این است که قاعده کلی باید اعمال شود، اما در شرایط استثنایی می‌توان از شرایط ایجاب استنباط کرد که صرف قبولی کافی خواهد بود برای رفع ابهام در ایجاب باید گفت ایجاب کننده تنها هنگامی ملزم است که به واقع، قبولی را دریافت کند.

نتیجه گیری

نظریه اول و دوم به هم نزدیک ترند زیرا طرفداران هر دو نظریه برآنند که قرارداد در زمان تحقق قبول منعقد می‌شود بنابراین نظریه اول نوشتن نامه قبول برای احراز تحقق آن کافی است ولی به موضوع نظریه دوم قبول هنگامی تحقق پیدا می‌کند که نامه قبول ارسال شده باشد چون این دو نظریه به هم نزدیک اند هر دو را گاهی تحت عنوان سیستم صدور ذکر می‌کند. نظریه سوم و چهارم نیز از هم دور نیستند در هر دو نظریه انعقاد قرارداد را تا زمان آگاهی اجرا کننده از قبول به تاخیر می‌اندازد با این تفاوت که آگاهی اجرا کننده از قبول در نظریه وصول فرضی و در نظریه اطلاعات واقعی است بنابراین می‌توان گفت در این با دو نظریه اصلی وجود دارد که نظریه صدور قبول و دیگری نظریه اطلاع است (قربانوند، ۱۳۸۹، ص ۹۶)

منابع

الف) کتاب ها

۱. شهیدی، مهدی، ۱۳۷۷، حقوق مدنی، تهران، انتشارات مجد.
۲. شیخ انصاری، مرتضی، ۱۴۱۴، المکاسب، قم، نشر اسلامی.
۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، النهایه، بیروت، دارالفکر.
۴. صفایی، سید حسین، ۱۳۸۲، دوره مقدماتی حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، تهران، میزان.

ب) مقالات

۱. قربانوند، محمد باقر، ۱۳۸۹، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹
۲. یعقوبی، یوسف، ۱۳۹۸، شرط زمان در قراردادها، قضات دادگاه تجدیدنظر استان تهران، شماره ۴۶۲۱، تاریخ چاپ ۱۳۹۸/۰۳/۱۱، شماره خبر ۳۵۳۱۷۵۳

ب) پایان نامه ها

۱. تاجمیر ریاحی، سمیه، ۱۳۹۷، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه اصفهان.
۲. صادقی، سید محمد حسن، ۱۳۸۸، نقش زمان در عقود از دیدگاه فقه و حقوق، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان

۳. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۷۵، زمان اجرای قرارداد و تأثیر آن در مسئولیت قراردادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

۴. مخصوصی، رسول، ۱۳۹۸، تحلیل مقتضای اطلاق قرارداد از حیث زمان اجرا از منظر فقه، سال پنجاه و یکم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱۶، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۷۹-۱۵۹

(ج) سایت های اینترنتی

<https://hekmat.com>

<https://hamilaw.ir>

<http://www.pr-law.blogfa.com>

<https://aminedalalat.com>

<https://donya-e-eqtesad.com>

<https://nmrj.ui.ac.ir>